

هزینه‌های عمل‌های زیبایی

در مورد هزینه‌های درمان همسر بر عهده شوهر بحث کردیم و گفتیم به نظر ما هزینه‌های علاج و درمان بر عهده شوهر واجب است تفاوتی ندارد بیماری نادر باشد یا نه و هزینه‌اش زیاد باشد یا نه و به تناسب به هزینه‌های درمان اقارب نیز اشاره کردیم هر چند این مطلب در کلمات فقهاء مذکور نیست. نکته‌ای دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مرحوم صاحب جواهر در ضمن هزینه اعفاف به مساله هزینه علاج هم اشاره کرده است.

آیا هزینه‌های ازدواج یا به تعبیر فقهاء اعفاف بر عهده شخص است. البته در کلمات فقهاء معمولاً اعفاف الّأب ذکر شده است و در مورد آن بحث کرده‌اند و معروف بین آنها این است که هزینه‌های ازدواج پدر بر عهده فرزند نیست هر چند وجوب آن هم به برخی از فقهاء منسوب است و برای ما آنچه در اینجا مهم است استدلالات مذکور در کلمات آنهاست.

بر اساس آنچه ما گفتیم که نفقه خرج زندگی است روشن است که یکی از هزینه‌های زندگی هزینه‌های ازدواج است و البته ازدواج گاهی ضروری است و گاهی ضروری نیست.

در هر حال مشهور با اینکه معتقدند هزینه‌های ازدواج پدر بر فرزند لازم نیست معتقدند اگر پدر ازدواج کند، هزینه‌های همسرش بر عهده فرزند پدر است و آن را به این تعلیل کرده‌اند که نفقه همسر جزو نفقه‌های پدر است.

ما پیدا نکردیم که کدام یک از قدماء به وجوب هزینه ازدواج پدر بر فرزند فتوا داده‌اند اما از متاخرین مرحوم آقای منتظری تصریح کرده‌اند که هزینه‌های ازدواج پدر بر عهده فرزند است و آن را به همین تعلیل کرده‌اند که هزینه‌های ازدواج حتماً جزو هزینه‌های شخص محسوب می‌شود.

«أقول: ولكن المسألة عندي لا تخلو من شائبة إشكال، إذ النفقة يراد بها ما يحتاج إليه الإنسان في حياته و عيشته. و الزوجة بالمعنى الأعم من المتعة و ملك اليمين من أشدّ الحاجات في حياته و لا سيما بالنسبة إلى الشاب الشبق. و الفقهاء ذكروا من أقسام النفقة الواجبة نفقة الخادم لمن يحتاج إليه من أهل الرفعة و الشرف.

و الحاجة إلى الزوجة لتحصيل العفاف ربما تكون أشدّ من الحاجة إلى الخادم، و لا محالة تحتاج الزوجة إلى النفقة أيضاً. و العقلاء يذمّون و يخطّئون الرجل المتمكن الذي لا يزوّج ابنه مع حاجته إلى الزواج. و قال الله- تعالى- في كتابه الكريم: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

كيف؟! ولو كان الفقير محتاجا إلى الزواج فلا شك في أنه يجوز إعطاء الزكاة له من سهم الفقراء للتزويج و نفقة زوجته.

و في صحيحة أبي بصير عن أبي عبد الله «ع»: «بلى فليعطه ما يأكل و يشرب و يكتسي و يتزوّج و يتصدق و يحجّ.» و كما أن الفقر موضوع لاستحقاق الزكاة فهو أيضا موضوع للإنفاق الواجب بلا تفاوت بينهما في ذلك. و تحقق الإجماع ممّا على عدم الوجوب غير واضح، إذ ليست المسألة معنونة في كتب القدماء من أصحابنا المعدّة لنقل المسائل المأثورة و إنما تعرض لها الشيخ- قدّس سرّه- في مبسوطه الذي هو كتاب تفرّيعي. و بذلك يظهر عدم صحة دعوى عدم الخلاف في المسألة مع عدم كونها معنونة في كلمات الأكثر. و يظهر من المسالك خلاف أصحابنا فيها...» (كتاب الزكاة، ج ٣، ص ٢٧٥)

ادله ای که صاحب جواهر هم در اینجا برای اثبات عدم وجوب ذکر کرده اند تمام نیستند. ایشان فرموده اند: «و لا يجب إعفاف من تجب النفقة له ولدا كان أو والدا بتزويج أو إعطاء مهر أو تملك أمة أو نحو ذلك مما يناسب حاله في الإعفاف، بلا خلاف معتد به أجده فيه، للأصل السالم عن معارضة إطلاق النفقة في الأدلة السابقة بعد القطع أو الظن بعدم إرادة ما يشمل ذلك من النفقة المزبورة المراد منها ما هو المتعارف في الإنفاق من سد العورة و ستر العورة و ما يتبعهما، و المصاحبة بالمعروف المأمور بها في الوالدين إنما يراد بها المتعارف من المعروف، و ليس هو إلا ما ذكرنا، لا أقل من الشك في ذلك، و الأصل البراءة، فما عن بعض العامة- من وجوب إعفاف الأب مع الإعسار و نقصان الخلقة و الأحكام أو مع الإعسار فقط لكونه من المصاحبة بالمعروف، بل في المسالك حكايته عن بعض الأصحاب لذلك، و لأنه من وجوه حاجاته المهمة فيجب على الابن القيام به- واضح الضعف...» (جواهر الكلام، ج ٣١، ص ٣٧٧)

در ادامه فرموده اند ممکن است گفته شود محل بحث در وجوب و عدم وجوب نفقه اعفاف، وجوبش از جهت اعفاف است اما با فرض احتیاج به آن به خاطر مزاج و ... از محل بحث خارج است و داخل در بحث نفقه علاج است.

و في المسالك «و يشترط حاجته إلى النكاح و يقبل قوله في الرغبة من غير يمين، لكن لا يحل له طلبه حيث نقول بوجوبه إلا إذا صادفت شهوته و شق عليه الصبر» و فيه أنه يمكن دعوى عدم اعتبار ذلك بناء على أنه من النفقة التي يكفي فيها تعارف ذلك بالنسبة إليه كغيره من أفراد الإنفاق، و لا مدخلية للشهوة و نحوها فيه، بل قد يقال: إن محل البحث بين الأصحاب وجوبه من حيث كونه إعفافا باعتبار أنه من النفقة عرفا، أما مع فرض الاحتياج إليه لشدة شق أو أذية في مزاج أو نحو ذلك فهو خارج عن البحث و إن كان مندرجا حينئذ في البحث عما يتفق الاحتياج إليه من دواء و نحوه مما لم يكن من النفقة المعتادة و فيه وجهان تقدما في الزوجة المأمور بمعاشرتها بالمعروف أيضا كالمصاحبة للوالدين...» (جواهر الكلام، ج ٣١، ص ٣٧٨)

در مسالك هم قول عدم وجوب هزینة اعفاف را اشهر دانسته است که نشان می دهد قول دیگر هم شاذ و نادر نبوده است. (مسالك الافهام، ج ٨، ص ٤٩٨) و در شرح لمعه فرموده امر در روایات باید بر استحباب حمل شود که نشان می دهد روایاتی هم در این زمینه وجود دارد. (الروضة البهية، ج ٥، ص ٤٧٥)

مساله بعد که باید به آن اشاره کنیم در مورد هزینه‌های جراحی‌ها و عمل‌های زیبایی است. آیا پرداخت این هزینه‌ها بر عهده شوهر یا پدر و ... است؟

این نوع جراحی‌ها و عمل‌های زیبایی گاهی در مورد مشکلاتی است که درمان آن لازم است به این معنا که عدم درمان آن موجب حرج است یا حتی موجب ضرر و بیماری است در این صورت حتما جزو نفقه واجب محسوب می‌شود چون این هزینه‌ها حتما جزو مخارج شخص حساب می‌شود به نحوی که اگر شخص از مال خودش هزینه کند تخمیس آن واجب نیست. پس اگر این جراحی‌ها برای درمان اموری باشد که تحمل آنها سخت است جزو نفقه محسوب می‌شوند و این در حقیقت همان نفقه درمان است که قبلا در مورد آن بحث کردیم.

اما گاهی در غیر این موارد است یعنی جزو ضرورات محسوب نمی‌شوند هر چند حتی اگر مطلوب هم باشند یا حتی اگر شخص از مال خودش هم هزینه کند تخمیسش واجب نباشد در این صورت جزو نفقه واجب نیست چون قبلا گفتیم آنچه واجب است حداقل از هزینه‌های متعارف است و بیش از آن زائد از مقدار واجب است هر چند جزو نفقه مستحب محسوب شود و منظور از هزینه‌های جراحی‌های زیبایی و ... همین است که بر اساس قاعده‌ای که ذکر کردیم حکم آن هم روشن شد.